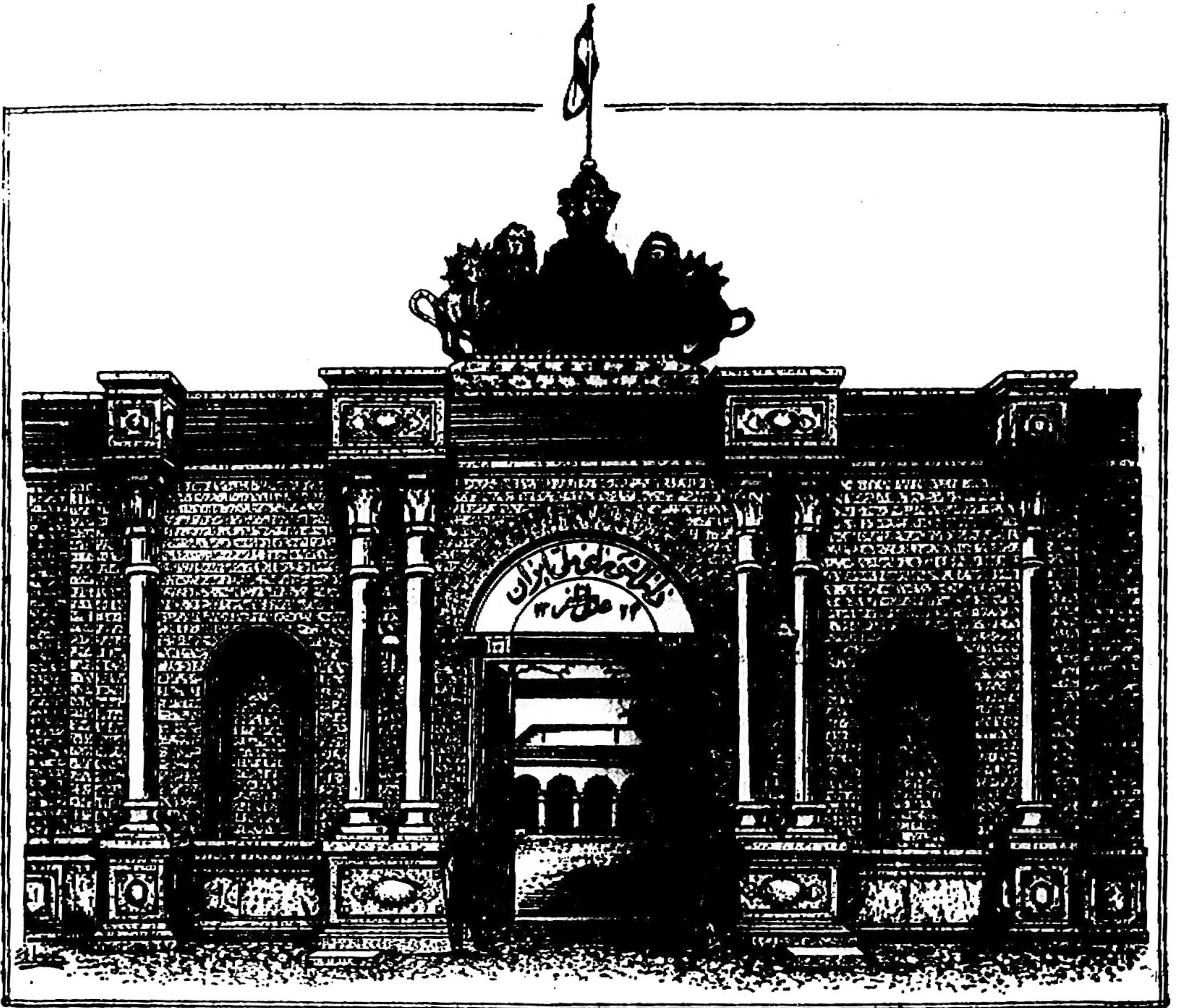


دوره ششم تفهینیه

جلسه ۲۱۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۸۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه بله يك شنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رمضان المبارك ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخلة ايران سالانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران

فهرست مندرجات

ش.م.	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه و تصویب آن	۲۷۲۶	۲۷۲۲
۲	تعقیب شور ثانی نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به مالیات خالصجات انتقالی	۲۷۲۲	۲۷۵۱
۳	تعیین جلسات مجلس در ایامی رمضان	۲۷۵۱	۲۷۵۲
۴	قانون تخصیص عوائد راه آهن جلفا به تبریز و کشتی رانی ارومیه بمرمت و تکمیل مؤسسات مزبوره تا مدت پنجسال	۲۷۵۲	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله يكشنبه ۶ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۵

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان روحی - دشتی - نجومی - بهار - میرزا
حسن خان ونوق - محمود رضا - بحی خان زنکنه
غائبین با اجازه جلسه قبل

(مجلس سه ساعت از شب گذشته
براست آقای پیرنیا تشکیل کردید)
(صورت مجلس سه سنبه اول اسفند
ماه را آقای نکهبان قرائت نمودند)

آقایان: اعتبار - اسدی - اعظمی - نظام مافی - مهدوی - حاج شیخ بیات - حاج حسین آقا ملک - بی سلیمان - حاج غلامحسین ملک -

در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: شیروانی - دکتر سنک - چشمپندی - مازندرانی - زعیم

در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: شریعت زاده - قوام شبرازی - عباس میرزا - غلامحسین میرزا
رئیس: آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای اعتبار الدوله را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بواسطه قضیه که برای ایشان پیش آمده بود در مجلس ترحیم حضور داشتند خواستم استدعا کنم که امر بفرمایند اصلاح شود.

رئیس - کمیسیون مرخصی چند جلسه است تشکیل نشده. بعد از آنکه جلسه کمیسیون تشکیل شد تکلیف معلوم میشود

رئیس: آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - يك تبصره مال آقای مدرس بود که پیشنهاد کرده بودند بعد آقای مدرس پیشنهادش را مسترد کردند در صورت مجلس نوشته شده است آقای مخبر مسترد کرد خواستم تذکر بدم که اصلاح شود

رئیس: همینطور که میفرمائید نوشته شده است آقای روحی

روحی - در صورت مجلس خوانده شد که جلسه به دو ساعت از شب گذشته محول شد در صورتیکه هیچ معلوم نشد فقط گفته شد شب بکشنه ممکن است غالب آقایان دیر آمده باشند به اینجه تذکر دادم که این قسمت اصلاح شود

رئیس: صورت مجلس اعتراضی ندارد؟
(گفته شد خیر)

وزیر مالیه - بکفقره لایحه است راجع به اصلاح یکی از مواد بودجه ۱۳۰۶ مربوط به جمع آوری عایدات تذکره در مالک خارجه لایحه دیگری است برای تقاضای چهل و پنج هزار تومان اعتبار برای مخارج تهیه وسائل نشریات و انتشارات در خارجه. يك فقره هم لایحه است که پنججاه هزار تومان از بودجه ۱۳۰۷ صحیه اجازه خواسته شده است از اضافاتی که برای صحیه در بودجه ۱۳۰۷ پیش بینی شده از جالا برای جلوگیری و تهیه بعضی امراض مریه عراقی و سرحدات اختصاص داده شود.

رئیس: راجع به راه آهن جلفا در جلسه گذشته مذاکراتی شده است و بعد گفته شده است مذاکرات کافی است ولی رای آن موکول به این جلسه شده است رای میگیریم. آقایان لایحه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس: تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود
(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای عدل
پیشنهاد میکنم بعد از عبارت ساختمان و مرمت نوشته شود و خرید لوازم و اثاثیه

رئیس: آقای عدل

عدل - عرض شود این راه آهن غیر از تعمیراتی که لازم دارد بعضی نواقص دارد و مقداری اثاثیه هم لازم دارد که غالباً میروند به روسیه و خرید میکنند از قبیل واگون و لوکوموتیو و اینها و تصور میکنم این عبارت اینجا فراموش شده است این است که بنده پیشنهاد کردم بعد از تعمیر و مرمت اضافه شود خرید لوازم و اثاثیه.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - یکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - بنده موافقت میکنم با این پیشنهاد چون مقصود همین است

رئیس: پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم پنجسال تبدیل شود به دو سال
رئیس: آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده در موقعیکه خود لایحه مطرح بود خواستم عریضی بکنم نوبت به بنده رسید بنده هیچ حکمی در این نمی بینم و نمیدانم چرا پیش از دو سال بودجه باید پیشنهاد شود. يك اعتراض بنده هم این است که چرا عوائد را بدون سرکرت میخواهند به مصرف محل رسانند حالا از این قسمت هم بگذریم و صلاح در این باشد. برای راه آهن عمده مملکت هم که يك مبلغی در اینجا تصویب شد در ضمن شرط شد که سال به سال مخارج آنرا جزو بودجه کنند و بنده کبان میکنم که این ترتیب مخالف اصل بودجه باشد که بکفقره پنجساله اعتبار داده شود و برای يك قضیه که شاید بعد ها خیلی نظیر پیدا کنند گویا مصلحت نباشد از اینجه بود که بنده دو سال پیشنهاد کردم بلکه عقیده بنده بيك سال است

رئیس: آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم اگر این قانون را میگذرانند و در اینجا قید میشد که بودجه اش نباید بیاورد به مجلس بنده هم با شما موافقت می کردم ولی اینطور نیست بودجه اش الان در کمیسیون بودجه است ولی این خرج آتی است و ما خواستیم يك قانونی بگذرانیم که در ظرف پنجسال این عایدی باین محل مصرف شود و این منافات ندارد برای اینکه حالا بودجه اش آمده سال دیگر هم بودجه اش می آید و هیچ عیبی ندارد. آقا اگر اطلاع داشته باشند از

کشتی رانی دریاچه ارومیه و وضعیت راه آهن آنجا موافقت خواهند فرمود که همین ترتیب بگذرد. البته اگر بمصرف خودش رسیده هم قسم ممکن است سؤال کردو برسید که بجه مناسبت بمصرف رسیده است و بودجه هم ابداً مربوط به این موضوع نیست بودجه اش بعداً بمجلس خواهد آمد حالا آمده است و در کمیسیون بودجه است

ارباب کیخسرو اجازه میفرمائید. اظهارات آقای رفیع هم مطابق پیشنهاد بنده بود. اگر قضیه همین است اینجا اضافه کنند که سال بسال بودجه اش میآید و بنده هم مسترد میدارم

مخبر - عرض کنم این يك قانونی است که ما وضع می کنیم که عایدات راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه جزو عایدات مملکتی نشود یعنی این عایدات منحصرأ بمصرف تکمیل راه آهن و کشتی رانی آنجا برسد و در حقیقت این يك لایحه بودجه نیست که ما بگوییم دوره عمل دارد و ما بیش از يك دوره عمل نمیتوانیم رای بدهیم این يك قانونی است که فلان عایدی صرف يك مخارج مخصوصی بشود. از این قبیل لایحه هم سابقه دارد و خود آقای ارباب میدانند که از مجلس گذشته است و اینکه میفرمایند ما در اینجا ذکر کنیم که بودجه را بیاورند این مثل این است که ما يك قانونی وضع کنیم که وزراء بوظیفه قانونی خودشان عمل کنند این وظیفه دولت است که در تمام مسائل که جنبه بودجه دارد در هر سال بودجه اش را بیاورند چنانچه در همین ۱۳۰۶ بودجه راه آهن جلفا جزو بودجه فواید عامه آمده است و در آتیه هم باید این طور باشد و بنده تصور میکنم که خوب نباشد ما اینجا يك چنین کلمه را ذکر کنیم و استدعا می کنم موافقت بفرمایند که همین ترتیب باشد

ارباب کیخسرو - با این توضیحی که دادند که مقصود بودجه نیست بنده هم مسترد میدارم
رئیس: پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بصره ذیل به ماده واحده اضافه شود وزارت فوائد عامه مکلف است در ظرف یکماه پس از تصویب این قانون صورت جزء مخارج و بودجه جزء راه را تقدیم مجلس کند.

رئیس - آقای آقا سید بمقوب

آقا سید بمقوب - اطلاعات ما که نماینده يك ایالت هستیم راجع به يك ایالت دیگر از اطلاعات نماینده آن ایالت است. آقای محمد ولی میرزا پرروز اینجا راجع به این مسئله يك شرحی بیان کردند و آن باعث شد که بنده ناچار شدم این بصره را پیشنهاد کنم. اصل موضوع چیست؟ اصل موضوع این است که ما میخواهیم يك خرجی را بر سبیل کلیت اجازه دهیم به این معنی که مجلس شورای ملی حق تفتیش را نسبت به مخارج هیچوقت نباید از خودش بردارد و صورت جزء هر چیز را باید مجلس شورای ملی بداند. آقای شیروانی فرمودند صورت بودجه آمده است بنده که عضو کمیسیون بودجه هستم اطلاع ندارم. هنوز بودجه جزء وزارت فوائد عامه به کمیسیون نیامده است شاید در سو کمیسیون آمده باشد و با آن ترتیبانی که در کمیسیون هست تصور نمیکم موفق بشوند که صورت بودجه را بیان کنند. آقای شیروانی اظهار کردند که این چهار هزار تومان است و ما الان میخواهیم به این ماده واحده چهار هزار تومان رای بدهیم که مخارج آنجا بشود. بنده شرحی که بیان میکنم از قول نمایندگان آذربایجان است که اینجا تشریف دارند و کلاً از وضعیت آنجا مطلع هستند و از بیاناتی که کردند مطلب بر بنده مشتبه شده است و برای اینکه حق تفتیش و نظارت مجلس شورای ملی باقی باشد بنده این بصره را پیشنهاد کردم که صورت جزء بودجه آنجا را یکماه پس از تصویب این قانون به مجلس بیاورند چون آنجا اشخاصی هستند که این را قبول خودشان قرار داده اند بنده

که عقیده به قبول و درست ندارم که همینطور با الله بنده که این عقیده را ندارم این جهت پیشنهاد کردم که صورت جزء آن مخارج که خرج کتفی رانی دریاچه ارومیه میشود و خرج راه آهن آنجا میشود علیحده بیاورند. اگر صورت جزء ندارد و در بودجه فوائد عامه که پنج میلیون است این هم در يك جای آن پنهان است بنده این را صلاح میدانم. عرض میکنم این خرجش علیحده است و خرجش که علیحده شد بودجه اش هم باید علیحده باشد. بودجه اش را بیاورند ما به بینیم چیست؟ حالا من به بودجه کل کار ندارم میگویم این را که خرجش را علیحده میکنند و از بودجه کل بر میگردانند باید بودجه خودش علیحده تقدیم مجلس شود. این بود عقیده بنده.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید بمقوب. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(ممدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(اینطور خوانده شد)

بصره های ذیل را پیشنهاد میکنم:

- ۱ - دولت مجاز است بکنفر متخصص برای امور فنی کشتی رانی استخدام نماید
- ۲ - مخارج اداری راه آهن و کشتی رانی از مأخذ منظوره در ۱۳۰۲ تجاوز نخواهد نمود

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده بطوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم حالا هم در زمینه این پیشنهاد بطور اختصار مریض خودم را تکرار می کنم. بنده تصور می کنم یکی از بهترین پیشنهاداتی است که در این دوره بمجلس آمده است این لایحه است که دولت به

مجلس آورده است و تصور نمیکم هیچیک از رفقا این پیشنهاد را ندهند و با اصولا مخالفی با این پیشنهاد داشته باشند. البته راه آهن و کشتی رانی ما باید دائر شود و در تحت يك اصول صحیحی باید اداره شود و این هیچ محل تردید نیست و بنده مختصر اعتراضی که در جلسه قبل کردم فقط از این نقطه نظر بود که بطوریکه باید رعایت نشده است و نظرم این بود که دولت با نهایت دقت باید طرز خرج این کار را در نظر بگیرد و کاری بکند که این راه آهن و کشتی رانی بنام معنی يك مؤسسه مفیدی از نقطه نظر اقتصادیات برای ایالت آذربایجان و این قسمت از مملکت بشود و از این نقطه نظر است که بنده این پیشنهاد را کردم چون در قسمت کشتی رانی ما احتیاج بيك متخصص فنی داریم یعنی کسیکه مستحضر و بصیر باشد. شما باید مبالغی برای مرمت آنجا صرف کنید و البته باید کسی باشد که کاملاً مستحضر و طرف اعتماد باشد. نه این است که در ادوار اخیر مخارجی برای راه آهن و کشتی رانی آنجا نشده باشد ولی فقط قسمتی را که بنده در خاطر دارم که مفید هم واقع شده مخارجی است که در زمان تصدی آقای تیمور نائش در وزارت فوائد عامه شده است که يك اعتباری از مجلس درخواست کردند و با آن اعتبار چند فقره اوکو مویتو و مقداری واگون ایتیاع شد که آنها امروز در آن خط قابل حرکت است و اگر آنها نبود امروز این خط موضوع کدایت و از این نظرات است که بنده این بصره را پیشنهاد کردم و در قسمت دیگر از نقطه نظر مخارج اداری بنده متوجه میکنم دولت را باز هم بهمان عرضی که آروز کردم نباید اداره راه آهن يك حوزه بشود برای نگاهداری يك عده اشخاص مشکوک الهویه که معلوم نیست اینها کجائی هستند و تابعیت ایشان معلوم نیست و این البته دارای مضراتی است که از هر جهت باید از آنها احتراز بشود و از این نظر است که بنده جلب نظر آقایان را میکنم که در تدوین

بودجه کاملاً دقت فرمایند که يك بودجه متناسبی بیاورند نه اینکه از عده اعضاء فنی کاسته شود ولی باید خیلی دقت شود اشخاصی که آنجا هستند مطابق قوانین و مقررات که همیشه از طرف مجلس مراعات شده است و میشود باشند. تابع مسلم ایران باشند و بالاخره بدرد این کار هم بخورند و بطوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم نباید بکنفر مترجم رئیس مالیه آذربایجان سمت ریاست فنی راه آهن را داشته باشد

مخبر - البته بنده هم با نماینده محترم با درجه هم عقیده هستم که وضعیت اداری و ترتیبات راه آهن جلفا آنقدرها امید بخش نیست ولی تنها اداره راه آهن جلفا نیست. غالب ادارات ما هنوز تکمیل نشده است و يك سوء اداره جریان دارد و در هر صورت باید از اینها جلوگیری شود و در موقع خودش اقدام شود ولی این يك عادتی شده است برای ما که هر وقت خواستیم يك قدم اصلاحی برای امری بر داریم تمام مسائل مربوط و غیر مربوط به آن امر را دخالت میدهم عجله لایحه است راجع باینکه عایدات راه آهن و کشتی رانی جلفا نه خزانه دولت می آمده است و يك مبلغ محدودتر معین کرده بودند برای مخارج آن و خود ایشان هم تصدیق میکنند که غیر کافی است و بعلاوه این مؤسسه يك مخارج فوق العاده دارد تا کامل بشود و بالاخره این فکر پیدا شده است. حالا که این فکر پیدا شده است ما میخواهیم تمام اوضاع اقتصادی و مالی آذربایجان را با لایحه راه آهن آنجا اصلاح کنیم اولاً این را باید خدمت نماینده محترم عرض کنم که این فکر در کمیسیون بودجه پیدا شد و دولت چنین لایحه اول بیاورد در ضمن لایحه بودجه وقتی يك مبلغی برای مخارج راه آهن و کشتی رانی جلفا پیش بینی کرده بودند و ما میدانستیم همین وضعیت آسف آور راه آهن جلفا را و تحقیق هم کردیم عایدات آنجا را دردم گفتیم بهتر این است که این عایدی جدید را که دو سه سال است دولت برای

خزانه خودش پیدا کرده است صرف نظر کند و این عایدی را تخصیص بدهند برای تکمیل و اصلاح راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه و این فکر را ما بدولت دادیم و در بودجه کل مملکتی هم گنجانندیم و کمیسیون بودجه هم در يك سال قبل تصویب کرد و بودجه هم همانطوریکه مسبقاً بواسطه يك وضعیاتی که در این مملکت هست ناخیر افتاد این بود که دولت این را از بودجه خارج کرد و بطور يك لایحه جدا گانه آورد به مجلس حالا ما میخواهیم تمام کارهای جزئی و کلی که در مملکت مربوط به يك اداراتی است آنها را بیاریم و در ضمن این لایحه اصلاح کنیم اعضاء آنرا ما کم و زیاد کنیم یا رئیسش را عوض کنیم یا متخصص برایش بیاریم یا بالاخره اینها کار مجلس نیست. ما تصدیق می‌کنیم که باید تذکر داده شود که دولت وضعیات آنجا را اصلاح کند ولی حتی برای گرفتن يك عضو هم يك قانون بگذرانیم این صحیح نیست کارهای مملکت باید تقسیم شود. کار يك شعبه وزارت فوائد عامه را میخواهیم در مجلس انجام دهیم این علط است. در هر حال همانطور که در جلسه گذشته و در خارج نماینده محترم اظهار داشتند باید بدولت اعتبار بدهیم برای اصلاح راه آهن جلفا و از دولت بخواهیم که آنجا را اصلاح کند. این اول قدم اصلاح است. همه ما تصدیق می‌کنیم که وضعیات آنجا خراب است ولی مربوط بان لایحه نیست. عجلاناً ما باید تصدیق کنیم که عواید راه آهن جلفا صرف تکمیل خودش بشود راه تکمیلش را خود دولت باید پیدا کند و تکمیل کند

محمد ولی میرزا - مقصود بنده همین توضیحات بود مسترد میدارم

مخبر - عرض کنم چون همقطار بنده اظهارات بنده را تکذیب کردند که بودجه راه آهن بکمیسیون نیامده است بنده فرستادم عین بودجه را که دولت آورده است

آوردند اینجا و حاضر است

رئیس - پیشنهاد آقای بروجردی

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که عوض عبارت عایدات راه آهن جلفا و تبریز و کشتی رانی دریاچه ارومیه نوشته شود معادل عایدات در بودجه مملکتی تا پنج سال

رئیس - آقای بروجردی

بروجردی - بعد از مذاکراتی که در مجلس شد معین شد که خط آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه يك اصلاحاتی لازم دارد اولاً اصلاحاتی که لازم دارد تا پنجسال بدربن خرجها آن خرجی است که عایدی يك محلی را به آن خرج اختصاص بدهند معنایش این میشود که تا پنجسال این پول برای آنجا خرج شود و بقیناً يك جانی که انقدر خرابی داشته باشد و بخواهند آباد شود تا مدت پنجسال هر اندازه که از عایدات آنجا صرف اصلاح آن بشود آن نتیجه و فایده که از آن باید پیدا شود پیدا نمیشود بعلاوه وقتی بنا شد هر مؤسسه که در این مملکت هست اگر عایدی داشت عایدش را اختصاص بدهند برای مخارجش پس باید مؤسساتی که فعلاً هست و مؤسساتی که بعد پیدا خواهد شد عوائدش اختصاص پیدا کند به مخارجش به اینجهت بود که بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود معادل عایدات در بودجه مملکتی. نه از عایدات راه آهن.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - برای اطلاع نماینده محترم عرض میکنم که این مؤسسه بخصوص راه آهن جلفا یکی از مؤسساتی است که هر مقداری که برایش خرج بشود در همان سال علاوه دخل دارد. وزیر فوائد عامه اسبق نقل میکردند که دوستان هزار تومان در آنجا خرج کردند و چهار صد هزار تومان در سال اول عایدی برداشتیم. بنده کان میکنم يك مؤسسه که اینطور در

آن خرج بشود و اینطور عایدی داشته باشد بنده معتقدم که هیچ نباید معطل ماند. تا بیایند از بودجه مملکتی حواله کنند و از آنجا بگیرند بالاخره اصلاحات لازمه بتعویق میافتد اینجا يك مطالعاتی در این مؤسسه شده است و بالاخره اینطور صلاح دانسته اند که تا پنجسال عوائدش خرج خود آنجا بشود و شاید هم تا پنج سال محتاج نشویم که در آنجا مخارجی بکنیم و در سال اول و دوم درست شود ولی چون اینطور صلاح دانسته اند که تا پنج سال عوائد آنجا را صرف خود آنجا بکنند بهتر این است آقا هم با همین ترتیب موافقت بفرمایند و پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند

بروجردی - بنده مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود تا مدت سه سال عایدات نا به آخر

فیروز آبادی بنده میخواهم اظهار تأسف کنم که چه شده است خط آهن به این خوبی ساخته شده و تصرف ایران داده شده است و ابرایشها خرج و دخل آنرا میزان میکنند و حالا نمیدانم چه شده است که عایدات دریاچه ارومیه را میخواهند بردارند و بمصرف خط آهن برسانند ...

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست

فیروز آبادی - همینطور است. هر کدام باید عایداتش در جلب خودش باشد و خرج خودش بشود چه شده است که این طریق شده است و چرا باید این طریق شده باشد که عایدات نداشته باشد و اینقدر کم عایدی داشته باشد. ما امیدواریم خط های آهن بعد مان که کشیده میشود از آنها استفاده کنیم اگر خدای نخواستہ آنها هم مثل این بشود معلوم میشود اسباب بآس خواهد بود. حالا از این گذشته است. این جا نوشته شده است که تا پنجسال تمام عایداتش را خرج خودش بکنند

بنده پیشنهاد کردم که تا سه سال تمام عایداتش را خرج خودش بکنند و بعد از سه سال اگر محتاج نشد از سال چهارم برکشت کنند عوائد آنجا به خزانه دولت. این پیشنهاد بنده بود

مخبر - بنده از نماینده محترم استدعا میکنم که يك اظهاراتی را که میفرمایند بکفایتی قبلاً مطالعه بفرمایند که شاید بعضی مطالب خوب نباشد در مجلس گفته شود این اولاً دوم اینکه این تأسف ها هیچ مورد نداشت برای اینکه راه آهن از این خرابتر بوده است که خوب ما دادند و دولت ایران خیلی خوب نگاه داشته است ولی حالا میخواهیم تکمیل کنیم و میگوئیم که عایدات خودش را صرف مخارج خودش بکنند و تکمیل کنند و بعقیده بنده ضرری ندارد

رئیس - رای میگیریم آقابانیکه این پیشنهاد را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده واحده با اوراق آقبایانی که موافقت اوراق سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نود و يك ورقه سفید تعداد شد.

رئیس - عده حضار صد و دو با نود و يك رای

تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان

طباطبائی دبیا - حقنویس - میر ممتاز - محمد ولی میرزا - وکیلی طباطبائی - ملک آرائی - دیوان بیگی ابلخان - دولتشاهی - خواجوری - اسکندری - ذوالقدر جلالی - آقاسید یعقوب - خطیبی - ملک مدنی - زوار بهبهانی - ثقة الاسلامی - محقق - نگهبان - عمادی فرمند - امیر تیمور - کلالی - شبروانی - دکتر سنک رفیع - عراقی - حاج میرزا مرعزی - افسر - جشبیدی

مازندرانی - شیخ محمد علی امام جمعه شیراز - نوبخت شریعت زاده - میرزا عبدالحسین - ملک ابرج پورنیمور حیدری - احتشام زاده - روحی - فرمند افشارنجومی ارباب کیخسرو - آقا سید کاظم بزدی - فهیمی - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر لقمان - دکتر هادی طاهری لایحه امین میرزا مسعود - سلطان محمد خان عامری - میرزا هاشم آنتیانی - عدل - ثقة الاسلام بروجردی - امام جمعه امر - حاج آقا حسین زنجانی - میرزا ابراهیم آنتیانی - بدر - باسانی - امیر اسدالله خان عامری - مولوی - آقا زاده سبزواری - سید حسین آقاییان - افخمی اسفندیاری - موقر - مرضی قلبخان بیات - فومنی - دکتر رفیع خان امین - لبقوانی - معظمی - والی زاده میرزا عبدالله خان وثوق - عباس میرزا - سید علی اکبر آیت الله زاده اصفهانی - شیخ الاسلام ملابری - جهانشاهی حشمتی - صالحی - وزیر - محمد تقی خان اسعد - سهراب خان ساکینیان - حاج علی اکبر امین - دادگر ابراهیمی - اسکندر خان مقدم - آقا علی زارع - پالیزی مفتی - تقی زاده - فرشی

رئیس - بقیه پیشنهادات ماده دوم خالصات انتقالی قرائت میشود پیشنهاد آقای ضیاء (بنحو ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود ماده دوم بطریق ذیل اصلاح گردد : ماده ۲ - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی به محاکم عدلیه رجوع و یا در صورت ترازی طرفین رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد تا آخر ماده

رئیس - آقای ضیاء ضیاء - این جا نوشته شده است که رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد بود در حالی که غالباً معتقد هستند به این که باید رعایت قانون اساسی بشود و تمام قضایا و اختلافات به محاکم عدلیه رجوع شود. بنده این جا اینطور پیشنهاد کردم که نوشته شود بترازی

طرفین که اگر چنانچه طرفین راضی شدند با حکمیت رفع اختلافات شود و الا اصلاً به محاکم صالحه عدلیه رجوع خواهد شد. گمان میکنم در این پیشنهاد بیشتر رعایت قانون اساسی شده است که تمام اختلافات بین مردم و دولت بایستی به محاکم صالحه رجوع شود و چنانچه طرفین راضی شدند بطریق حکمیت قطع شود دولت نیست مگر يك شخص قانونی که در برابر محاکم صالحه آت و سایر افراد عینی السویه است و هرگونه اختلافات که بین دولت و مردم روی می دهد باید قاعداً بمحاکم صالحه رجوع شود مگر آنکه اگر طرفین رضایت حاصل کردند بحکمیت مراجعه شود فهیمی (مخبر کمیسیون بودجه) - پیشنهادی را که آقا فرمودند در جلسه قبل بدوسه قسم شد و تمام رد شد و گمان میکنم مورد نداشته باشد

ضیاء - این پیشنهادها بصورت دیگری است رئیس - (خطاب باقای مخبر) پیشنهاد که بوده است که در این زمینه رد شده است آقا سید یعقوب - یکی مال آقای عمادی و یکی مال دکتر طاهری

رئیس - آن پیشنهادها با این پیشنهاد تفاوت دارد آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده در این قسمت تصور میکنم که آقای ضیاء مخصوصاً از توضیحاتی که دادند بیشتر نظرشان این بود که حفظ حقوق مردم را در مقابل دولت به يك طرز سهلی در نظر بگیرند و بنده تصور می کنم بطوری که اخیراً ماده در کمیسیون اصلاح شده است منظور آقا و آقایان دیگر بعمل آمده باشد و بعلاوه بنده چندان مفید برای مردم نمی بینم که در این قبیل قوانین يك اگر هائی هم ذکر شود که اگر ترازی حاصل شد مابین مردم و دولت بمحاکم صالحه رجوع کنند شما وقتیکه رای دادید و طریق حکمیت را برای رفع اختلافات معین کردید مرجع همین قضیه میشود که در این جا مقرر

داشته اید پس این نگرانی را که بعضی آقایان اینجا اظهار فرمودند که دولت شخص قوی است و طرف دولت ضعیف است تصور میکنم مورد نداشته باشد زیرا در این جا يك طرز حکمیتی معین شده است که اگر درست دقت فرموده باشند این طرز حکمیت يك طریق عادلانه است و دیگر در این قسم حکمیتش که درست شده است نمیشود گفت که حکمهایی که از طرف دولت معین میشوند مجبور هستند مراعات نظریات دولت را بکنند در اینجا بکلی طریق حکمیت فرق کرده است و طرفین با رضایت یکدیگر يك شخص ثالثی را تعیین میکنند و اگر طرفین در شخص ثالث توافق پیدا کردند حکمهای طرفین چهار نفر را معین میکنند از بین آنها بقرعه يك نفر را انتخاب میکنند و بنده تصور میکنم که این طریق خیلی برای قطع و فصل دعاوی

رئیس - رای گرفته میشود... ضیاء - استدعا میکنم يك مرتبه دیگر خوانده شود چون اغلب آقایان نبودند (بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده ماده ۲ را به این قسم اصلاح آزا پیشنهاد می کنم : ماده ۲ - در مورد اختلافات بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف برضایت طرفین با يك طرف به طریق حکمیت خواهد شد

رئیس - فیروز آبادی - بنده نظر باینکه تولید مشکلات و زحمان برای طرفین نشود و بحکمیت هر مطلبی که اصلاح

شود و حکمیت بهتر از ارجاع به عدلیه است بنده پیشنهاد کردم که بحکمیت این معامله خاتمه پیدا کند که اسباب زحمت بجهت دولت و متصرف فراهم نشود رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم این ماده اساساً برای همین منظور آقای فیروز آبادی تنظیم شده است و این پیشنهاد ایشان هم رافی نظر ایشان نبود و تصور میکنم در ماده از اول تا آخرش طرز حکمیت را معین کرده و این پیشنهاد دیگر وارد نیست رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای رفیع (اینطور خوانده شد)

به پیشنهاد آقای شریعت زاده اضافه شود : تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - اغلب اتفاق می افتد که در موقع حکمیت يك نفری از طرف دولت می آید پس از اینکه آمد واستشام کرد که دولت دارد محکوم میشود میگذارد و می رود و هرچه میفرستند عقبش نمی آید و بالاخره فرصتاً مجبور هم که شد بیاید استعفا میدهد بالاخره باید نزاع رفع شود. این مثل استروکسیون میباشد پس باید نزاع را قطع کرد خبر میدهند که باید حکم ها را معین کرد. يك نفر از طرف مدعی و يك نفر هم از طرف دولت می آیند پس از آنکه آمدند باید قضیه قطع شود و اگر آن شخص نیاید هر طور سایرین حکمیت کردند قاطع باشد این است نظر بنده

مخبر - نظر آقای رفیع اساساً خوب است که اگر حکم دولت حاضر نباشد برای قطع دعوی سایرین عمل

۹

را خانمه دهند ولی يك ارادی دارد که نوشته اند که اگر حاضر نشد ممکن است اگر از روز اول حاضر نشد حکم دیگر معین کنند

رفیع - عمداً عرض کردم

مخبر - حالا خوب است مقرر فرمائید دوسه پیشنهادی که در این زمینه است آنها هم قرائت شود و رو به مرفته نتیجه بگیریم و عیبی هم در کار پیدا نشود

رفیع - بنده اضافه میکنم در ظرف يك هفته

رئیس - میباید تا سایر پیشنهادها قرائت شود پیشنهاد

آقای خطیبی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را در ماده ۲ پیشنهاد میکنم :

تبصره - خالصجاتی که بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض اشخاص و تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکوره فوق بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - عرض کنم چون برای رفع اختلاف و اقامه دعوی برای دولت مراعاتی در این لایحه قائل شده اند و این امتیاز را برای اشخاص قائل نشدند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم که اگر دیگران هم نسبت به دولت اعتراضی داشته باشند بطور حکمیت خانمه داده شود مخبر - اظهار آقای خطیبی صحیح است زیرا ما در قانون نوشته ایم که (متصرفین) و متصرفین کسانی را شامل میشود که در این تاریخ املاکی را متصرفند ولی املاکی هم هست که بموجب فرامین رسمی دفتری شده مدتها در تصرف اشخاص بوده است شاید امروز که این قانون میگذرد دولت تعرض به آنها میکنند و بر تصرفشان اعتراض کنند در صورتیکه البته باید ختم غالبشان به حکمیت بشود . لهذا بنده تبصره ایشان را میتوانم بپذیرم که به ماده اضافه شود .

قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . پیشنهاد آقای دکتر سنک

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

مادامی که هیئت حاکمه رای خود را ابلاغ نکرده است ملک در تصرف متصرف خواهد بود

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - این تبصره را در موقعی بنده پیشنهاد

کردم که آقای شریعت زاده اصلاحی در ماده دوم نفرمودند و تصور میکنم بعد از پیشنهاد ایشان نظر بنده تأمین شده باشد

مخبر - بلی در تبصره هست .

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(اینطور خوانده شد)

تبصره ذیل به ماده ۲ اضافه شود :

تبصره - چنانچه از سنه ۱۳۰۷ به اینطرف املاک اشخاصی را دولت بعنوان خالصکی ضبط و تصرف نموده باشد بقراری که در ماده ۲ مصرح است دعوی طرف قطع خواهد شد

رئیس - آقای دهستانی

بکنفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

خالصجاتی که بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض یا تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - چون نظر بنده در ضمن پیشنهاد آقای خطیبی نامین شده است مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را به ماده دوم پیشنهاد میکنم تبصره - کلیه حکم های طرفین باید مقیم آن حوزه مالیه باشد که ملک متنازع فیه در آن حوزه واقع است و باید لا اقل سواد فارسی داشته باشد .

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - پیشنهاد بنده توضیح زیادی لازم ندارد دو قسمت است يك قسمت راجع به حوزه بندی است که از نقطه نظر صلاحیت آن حوزه ها در آن کار باید اشخاصی حکم باشند که مقیم آن حوزه که ملک در آن واقع است باشد . همانطوریکه در محاکم عدلیه حوزه بندبانی میشود که صلاحیت هائی برای آن محاکم در رسیدگی به دعوی قائل شده اند همینطور هم ما باید قائل شویم که حکم هائی که از طرفین معین شوند اهل محل و مقیم آن حوزه باشد که ملک در آنجا است برای اینکه اگر فرضاً مالیه بخواند برای املاک شیراز حکمهایی از خراسان یا تبریز معین کند بعقیده بنده صحیح نیست چون ممکن است یکی از طرفین برای طفره بخوانند این کار را بکنند . این است که بنده پیشنهاد کردم که حکمها مقیم آن حوزه مالیه باشند که ملک در آنجا واقع است يك قسمت دیگر پیشنهاد بنده راجع به سواد بود که اشخاصی که حکم میشوند لا اقل سواد فارسی داشته باشند که بتوانند رسیدگی کنند البته وزارت مالیه اشخاص بی سواد معین نخواهد کرد ولی ممکن است اشخاص این کار را بکنند

مخبر - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم

زعیم - نمیشود غلط است

رئیس -- (خطاب آقای زعیم) اگر اعتراضی دارید پیشنهاد بفرمائید پیشنهاد آقای عمادی (بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲ بعد از عبارت در مدت مزبوره حکم خود را. ضمیمه شود: بدون عذر موجه. نا آخر.

رئیس -- آقای عمادی

عمادی - عرض کنم. مقصود بنده از این پیشنهاد این است که در اینجا نوشته شده است اگر طرف در داخله باشد ششماه و اگر در خارجه باشد يك سال این بر سبیل اطلاق است و برای اشخاصی که صاحب عذر موجهند مضر است برای اینکه ممکن است آن کسی که در خارجه است يك عذر موجهی داشته باشد که نتواند در یکسال بیاید این جا و یا در داخله در ظرف ششماه بواسطه يك عذر موجهی نتواند اقدام کند. این است که بنده پیشنهاد کردم که در این جا ضمیمه شود: بدون عذر موجه و آقای مخبر هم خوب است این را قبول بفرمایند.

مخبر - این بدون عذر موجه را هم بنده از طرف ایشان قبول میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای نابت

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میجام عبارت ذیل به آخر ماده دوم اضافه شود.

و هر گاه شخص ناک معترض باشد در موضوع دعوی نسبت به دولت و یا متصرف به ترتیب حکمیت در همین ماده قطع دعوی خواهد شد

رئیس -- آقای نابت

نابت - مقصود بنده در ضمن اظهارات و پیشنهاد آقای خطیبی تأمین شد. استرداد میکنم.

همانطور که منازعه بنده و دیگری از افراد مردم در عدلیه حل میشود کارهای دولت و افراد هم برود به عدلیه و مطرح شود این جا يك منطقی مخالفین این عقیده داشتند که طول میکشد بنده هم عرض میکنم که مطابق عمل و فلسفه این ترتیب بیشتر طول میکشد تا اینکه به محاکم صالحه رجوع شود. يك پایان و انتهای دارد که دیوان نیز است که در آنجا اگر موضوع را ابرام کردند مطلب تمام شده است ولی حکمیت مردم و دولت هیچ وقت پایان ندارد و با این ترتیب يك مملکتی را دچار اشکال خواهیم کرد. عجالةً در اینجا تصدیق شده است که باید این مسائل به حکمیت حل شود ما يك فرض میکنم که يك امری به حکمیت خانه پیدا نکرد و پس از مدت مقرره مثلاً یکی از حکمتهای طرفین برای خانه دادن قضیه حاضر نشد آنوقت عقیده بنده این است که برود به محاکم صالحه. و بنده میتوانم با پیشنهاد نماینده محترم آقای رفیع هم موافقت کنم ولی میترسم که يك معایبی پیدا کند یعنی حکم دولت را فرمودند اگر استعفا کرد این طور بشود بنده عرض میکنم که آیا ممکن نیست دولت حکم مدعی را نهد و کند که برود استعفا بدهد؟ حکمی را که بنده معین میکنم ممکن است يك کارهایی در وزارت مالیه داشته باشد و به او بگویند که برود استعفا بدهد و او هم این کار را خواهد کرد باز قضیه حثی خواهد ماند بنده عرض میکنم که اگر در حکمیت قضیه مطابق قوانین و مقررات قانونی جاریه اصلاح نشد موضوع به محاکم صالحه ارجاع شود که در آنجا خانه پیدا کند و يك پایان برای این کار قائل شویم و حکمیت با دولت يك ضرری برای مردم نداشته باشد

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده - آقای شیروانی توجه بفرمائید. توضیحاتی که نماینده محترم دائر به اظهار مخالفت با اجرای اصل حکمیت دادند بنظر من متضمن دلائل قوی دائر به مخالفت نبوده است بعلاوه تصور می

رئیس -- پیشنهاد آقای روحی عین پیشنهاد آقای دکتر طاهری است. این است که دیگر نمیشود قرائت شود پیشنهاد آقای شیروانی (اینطور قرائت شد)

تبصره ذیل پیشنهاد میشود: هرگاه یکی از حکمین در انجام وظیفه قانونی عمداً مسامحه نمودند رفع اختلاف به محاکم صالحه عدلیه مراجعه خواهد شد

رئیس -- تأمل بفرمائید پیشنهاد دیگر هم که در این زمینه است قرائت شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده دوم اضافه شود: در صورتیکه یکی از طرفین از نمکین رأی حکمیت خود داری نماید طرف دیگر میتواند برای اجراء آن به عدلیه مراجعه و عدلیه مکلف است نتیجه حکمیت را بوقع اجرا گذارد

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم. چون برروز در جلسه سابق راجع به اصل حکمیت و ترجیح آن به ارجاع این قیدل مسائل به محاکم صالحه نماینده محترم آقای شریعت زاده این جا يك اظهاراتی فرمودند بنده مجبور شدم و در همان روز این پیشنهاد را کردم و میخواهم باینکه البته بنده در مقابل ایشان که متخصص در این مسائل هستند نباید خیلی اظهار عقیده کنم ولی باید معایب را عرض کنم عرض کنم که نماینده محترم تصدیق میفرمایند که انجام وظیفه در مقابل اخذ حقوق است غیر از این فلسفه ندارد اگر يك کسی که حقوق نمیگیرد و مجازاً از نظر اخلاقی یا از نقطه نظر های دیگر که يك وظیفه را قبول میکنند طرف مقابل حق ندارد که او را ملزم کند که تو این وظیفه را که بعهده گرفته حتماً باید به پایان برسانی. بنده يك نفر را که طرف اعتماد من است رفیق من است آدم درستی

کنم که خود ایشان هم که همیشه طرفدار تسهيلات در فصل دعاوی هستند اساساً با این اصل مخالفت نکنند منتها بر حسب وضعیاتی که در بعضی اوقات مشاهده کرده اند تصور کرده اند که ممکن است تشخیص نتیجه از ارجاع به حکمیت بتأخیر افتد زبه این جهت تصور کرده اند که اسباب زحمتی برای اشخاص میشود در صورتیکه اگر نسبت به مطلق دعاوی بین افراد و دولت را مقرر نمودند ممکن بود این وضع صحیح باشد ولی نسبت به خالصجات انتقالي اصلاً این فرض صحیح نیست زیرا بر طبق قسمت دیگری که تصویب شده معین میکنند که اشخاصی که متصرف در املاکی هستند و دولت مدعی است که آن املاک خالصه انتقالی است مادامی که هیئت حکمیت رای نداده است دولت نمیتواند سلب تصرف از آنها بکند به این جهت برای متصرفین ضرر و زیانی متصور نیست یعنی هر وقت دولت خواست این دعوی خودش را تعقیب کند مجبور است که مطابق اصول حکمیت تعقیب کند و اگر نکرد املاک مردم مصون از تعرض است. قسمت دیگر که فرمودند انجام وظیفه در مقابل اخذ حقوق است البته برای دولت مانعی نیست که اگر حکمی را معین میکنند حق الزحمه برای او معین کنند و آن کسی هم که حکمی را معین میکنند ممکن است حق الزحمه برای حکم خود معین کند. به علاوه الان در قسمت مهمی از اروپا هست که اشخاصی که وارد در احزاب و اتحادیه ما میشوند باید ملتزم بشوند که اگر با اهالی مملکت خودشان اختلافی پیدا کردند با حکمیت آن اختلاف را رفع کنند. این بود که بنده عرض کردم دنیا الان بطرف حفاظ اصل حکمیت میرود و به علاوه در اقصی نقاط این مملکت اجرای اصول حکمیت مقدور است ولی مدافعه برای يك شخصی از يك دعوائی که طرف مقابلش دولت است چه از حیث جهات مادی و چه از حیث اطلاعات غیر مقدور است و تعقیب این فکر از نقطه نظر ضرر و زیان افراد بسیار قابل انتقاد

است. این است که تصور میکنم اگر حضرت آقای نماینده محترم هم موافقت کنند که ابتلائات ناشیه راجع به موضوع خالصجات انتقالی بطریق حکمیت فصل شود بهتر است و به مصلحت متصرفین است برای اینکه اگر دولت خواست به تصرف اشخاص اعتراض کند ناچار است که رجوع بحکمیت کند و برای مردم هم ضرری متصور نیست و تصور ضرر هم ندارد.

مخبر - بنده با پیشنهاد آقای رفیع موافقت میکنم. رفیع - بنده اضافه میکنم در ظرف ده روز. رئیس - پیشنهاد آقای رفیع دوباره قرائت میشود بعد رأی میگیریم.

(بشرح ذیل خوانده شد)
در پیشنهاد آقای شریعت زاده اضافه شود تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً از حضور امتناع ورزید...

رفیع - در ظرف ده روز عمداً (مجدداً پیشنهاد آقای رفیع بمضمون ذیل خوانده شد) تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً در ظرف ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص حکمهای دیگر قطعی خواهد بود

مخبر - مطلب را بنده قبول میکنم ولی پیشنهاد را مرحمت نفرمائید که عبارتش را اصلاح کنم
رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود تبصره - در صورتیکه یکی از طرفین از تکمیل رأی حکمیت خودداری نماید طرف دیگر میتواند برای اجرای آن عدلیه مراجعه و عدلیه مکلف است نتیجه حکمیت را بموقع اجرا گذارد

رئیس - آقای دکتر طاهری دکتر طاهری - در قضایای عادی وقتی که حکم داده

میشود پس از صدور حکم اگر طرف حاضر نشد برای اجراء حکم عدلیه حکم را اجرا میکنند ولی در اینجا که به حکمیت مراجعه میشود يك طرف که دولت است و البته قدرت دارد اگر به ببینید به ضررش تمام میشود ممکن است از اجرای حکم در باره خودش خود داری کند و بالاخره یکی از طرفین ممکن است رأی حکم را اطاعت نکنند ازین جهت بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که اگر یکی از طرفین از اجرای رأی حکمیت استنکاف کردند عدلیه آن رأی حکم را اجرا کند
مخبر - پیشنهاد آقای دکتر طاهری صحیح است حکم حکمیت را باید محکمه عدلیه بموقع اجرا بگذارد و اینکه اینجا قید کرده اند که اگر یکی از طرفین تکمیل نکرد از حکم حکمیت عدلیه میتواند آن حکم را اجرا کند این صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای زوار عین پیشنهاد آقای دکتر طاهری است که در جلسه گذشته پیشنهاد شده ورد شده است

زوار - مال آقای دکتر طاهری اینطور نبود
رئیس - جلسه گذشته پیشنهادی کرده بودند که اینطور بود. پیشنهاد آقای حقنویس (با این ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده ۲ بعد از جمله غیر قابل اعتراض خواهد بود نوشته شود مگر در مواردی که اعتراض بحکم حکم مطابق اصول محاکمات حقوقی جایز است الی آخر

رئیس - آقای حقنویس حقنویس - البته آقایان متوجه هستند که یکی از طرق رفع اختلاف سه دو نفر اصول حکمیت است و برای حکمیت هم يك قوانینی مقرر است که مطابق آن قوانین با اینکه حکم حکم قاطع است باز يك مواردی را تعیین کرده اند که در آن موارد اعتراض به حکم

حکم جایز است. و در این ماده بطور مطلق نوشته شده است که حکم حکم غیر قابل اعتراض است. در صورتیکه اگر حکم حکم تطبیق شود با این مواردی که در قانون اعتراض بحکم حکم را جایز دانسته است این حکم حکم را غیر قابل اعتراض دانستن موجب تجاوز بحقوق یکی از دو طرف خواهد بود. لذا بنده پیشنهاد کردم نوشته شود غیر قابل اعتراض است مگر در آن مواقعی که مطابق قانون اصول محاکمات اعتراض بحکم حکم جایز است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشام زاده (با این شکل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲ این جمله اضافه شود و بر طبق رای اکثریت حکم طرف مقابل و دولتری که بقرعه از بین اعضاء دیوان عالی تمیز تعیین میشود رفتار خواهد شد

آقا سید یعقوب - در ولایات از اعضاء تمیز چطور بیری آورند؟

رئیس - آقای احتشام زاده احتشام زاده - منظور از نوشتن این ماده این است که در کار مردم تسهیل شود بجای اینکه برای رفع يك اختلاف مربوط بخالصه انتقالی مراجعه به عدلیه بکنند و گرفتار بطوء جریان محاکمه که لازمه محاکم است بشوند این ماده را تنظیم کرده ام که تسهیل بشود. در اجرای حکمیت يك اشکالی ممکن است پیش بیاید من جمله اینکه حکم یکی از طرف ها در موقع عمل استعفا بدهد بنا بر میل آن کسی که او را انتخاب کرده و بالتبع کار مختل بماند و به نتیجه نرسد. این شق را بر طبق پیشنهادی که یکی از آقایان نمایندگانی

محترم دادند اشکال این شق را نامین کرد ولی اگر چنانچه دولت خودداری کنند از اینکه حکم خودش را معین کند بالنتیجه حکم دولت که معین نشده است حکم ناکت هم که باید با راضی دولت و طرف دولت معین شود تعیین نخواهد شد کار همینطور معوق خواهد ماند با بر عکس آن کسیکه ملک در تصرف او است و دولت بک اعتراضی دارد از نقطه نظر خالصگی خود داری کرد از اینکه حکم خودش را تعیین کند و بالنتیجه حکم مشترك هم معین نخواهد شد اینجا در آخر ماده بک عبارتی هست ولی تکلیف را معین نکرده است بنده عبارت را میخوانم و استدعا میکنم آقایان مخصوصاً آقای مخبر توجه بفرمایند که اگر چنانچه این نظریه بنده برای جلوگیری از بک اشکالیکه ممکن است در طی عمل پیش بیاید صحیح باشد موافقت بفرمایند - نوشته: هرگاه متصرفین در مدت مزبوره حکم خود را معین ننمودند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود. ولی تکلیفی معین نکرده که چه خواهد شد. بنده اینطور پیشنهاد کردم که وقتی وزارت مالیه با طرف خود داری کرد از تعیین حکم بر طبق رای اکثریت حکم طرف مقابل و در نقری که بجای حکم مشترك و حکم طرف دیگر بحکم قرعه از دیوان عالی تمیز انتخاب میشوند رفتار بشود باین ترتیب جلوگیری میشود از اینکه اشکالی در حکمیت پیش بیاید...

بعضی از نمایندگان - در ولایات چه کنند؟

احتشام زاده - توفیر نمیکند در هر حال بنده منظورم از این پیشنهاد این بود که از این اشکالی که ممکن است از اجرای حکمیت پیش بیاید جلوگیری شود حالا بسته است بنظر آقایان.

مخبر - اگر آقای احتشام زاده دقت فرموده بودند پیشنهاد آقای حاج آقا رضا رفیع همین موضوع را نامین میکرد و دیگر محتاج به تکرار نبود.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای احتشام زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(هیچکس قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

حکم طرفین بعد از تعیین حق استعفا ندارند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقاید خودم را عرض کنم چون عقیده بنده همانطور که در صورت مجلس خوانده شد حکمیت است و باید این قضایا به حکمیت انجام یابد و عقیده ام هم این است که حکمیت الزامی است یعنی بعد از آنکه حکمین قبول کردند دیگر حق استعفا ندارند بکنفر از نمایندگان - چطور میشود؟

آقا سید یعقوب - حالا عرض میکنم بنده آن مسئله را که آقای شیروانی اظهار کردند که لا متوجه شدم که میآیند حکم تعیین می کنند تا پنج روز باخر مانده استعفا میدهند یا حکم طرف یا حکم دولت استعفا میدهد میگوید آزاد هستم، خوب حالا که بنده حکم باشد باید طوری باشد که کار خانه پیدا کند و اگر ما به آزادی بگذاریم هی قبول می کنند میآیند و پنج روز باخر مانده استعفا میدهند و هیچوقت قضایا حل نمیشود، حالا اگر آقای مخبر میتوانند معین کنند و نامین کنند حکم که میخواهد تعیین شود از اول بفهمد که بعد از تعیین و قبول نباید استعفا بدهد و حالا اگر آقای مخبر قبول میکنند که در یکجائی نامین کنند که بکطوری نشود محاکماً معطل بکند و هیچوقت نگذرد بنده استرداد میکنم و نظری ندارم. و اگر نامین نمیشود که بنده کاملاً این عقیده را دارم و باین ترتیب رفع و قطع دعوی نخواهد شد

مخبر - این موضوع را گمان نمیکند بشود قبول کرد زیرا راهی که دارد اینست که بگوئیم حکم ها را حبس کنند و الا استعفا آزاد است. ولی طرفین باید سعی

کنند که حکم خودشان را نگاه دارند و مراقبت کنند که استعفا ندهند زیرا بموجب پیشنهاد آقای رفیع معین شده است که اگر یکی از حکمین نیاید و حاضر نشود حق آن طرف از بین میرود و طرفین باید سعی کنند که حکمشان بماند یعنی وزارت مالیه و طرف در این باب اقدامات میکنند و راه دیگری درین باب نداریم

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(باین ترتیب قرائت شد)

پیشنهاد منبهم که تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود تبصره - اختلاف بین شخص ناکت و متصرف بر طبق قوانین مملکتی بعدلیه رجوع خواهد شد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - اینجا سابقاً در ضمن مذاکرات آقای مخبر و بعضی از آقایان نمایندگان اینطور مستفاد میشود که نظر اساساً اینست که هرملکی از خالصجات انتقالی که الان در تصرف اشخاصی است آن ملک طلق آن اشخاص است و دست او است و دولت. و اگر اختلافی پیدا میشود بین متصرف خواهد بود و دولت. در حالی که بین املاک ابران بین اشخاص بر سر این املاک اختلاف متعدده هست بواسطه انقلابات و حوادثی که غالباً اتفاق افتاده ممکن است مردمان ضعیفی بوده اند که بالاخره حق اینها ضایع شده است و حالا این ملک بتصرف فلان شخص در آمده است در همین حال که مجلس شورای ملی بک قانونی وضع میکند که املاک خالصه انتقالی بک صورت خاصی داشته باشد و در ماده دوم تصویب میکند که متصرفین اگر بادتول اختلافی داشته باشند اختلافشان به حکمیت قطع خواهد شد اگر بک شخص ثالثی یعنی همان شخص ضعیفی که ممکنست در چهار روز قبل حقش ضایع شده و امروز ممکن است بایک سعی و کوشش داد خواهی بشود او بیاید و ادعا داشته باشد بر این ملک اسناد مثبت و مدارک قاطعه داشته باشد تکلیف او چیست

مجلس شورای ملی که حق کسی را نمیخواهد ضایع کند اگر واقعاً نظر کمیسیون و آقایان اینست که این املاک خالصه انتقالی به تصرف هرکس هست مال او است و او هست و دولت بک مصلحتی در این نظر میبیند بعقیده بنده یک قدری بهتر باید توضیح بدهند. و برای اینکه بعقیده بنده ممکنست بک اشخاصی بر سر این املاک بک ادعاهائی داشته باشند. و در صورتیکه نظر کمیسیون و نمایندگان اینطور نیست و دعوی اشخاص هم وقتی که حق است باید رعایت بشود پس بنده پیشنهاد کردم که اختلاف شخص ناکت با متصرف به محاکم صالحه عدلیه رجوع شود. اگر نظر کمیسیون اینطور بوده بک توضیحات بیشتری لازمست

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم عوقعی که قانون مرور زمان از مجلس گذشت بعقیده بنده باین مطالب خانم داد. چون در همین مجلس بک قانون خاصی برای مرور زمان و قطع دعوی اشخاص گذشت. و این اظهاری هم که حالا حضرتعالی می فرمائید واجب اشخاص ناکت شبیه بهمان بود. این قانون برای اشخاص ناکت از مجلس شورای ملی میگذرد اگر این شخص ناکت آمد دعوی کرد که این ملک شصت سال پیش مال من است که از طرف دولت انتقال باو شده است اگر قانون مرور زمان حق او را صحیح میدانند حق او ثابت است و الا حق او ساقط است و حق ندارد ثابت هم که آقایان باستانی پیشنهاد کردند چهار سال پیش واقع حقیقه در نظر گرفته بودند که این قانون کاملاً عملی نیست و تصور میکنم با گذشتن قانون مرور زمان اصلاً این قانون مورد نداشته باشد.

ضیاء - اگر ده سال پیش باشد چطور؟ چهار سال رسمیت ندارد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه اند .

دادگر - بنده پیشنهاد آنفس میکنم و دلایلی عرض میکنم .

رئیس - مخالف دارد

(گفته شد خبر)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که قسمت حکمیت بکلی ازین ماده حذف شود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در اطراف حکمیت و طرز حکمیت کیفیت حکما مذاکرات زیاد شد و بالاخره هم آقای مخبر بک تصمیمی نگرفتند که یکی ازین پیشنهادات که بعضی از آن ها را هم بنده کافی میدانم قبول فرمایند اینست که بنده پیشنهاد میکنم اصلاً حکمیت از این ماده حذف شود وقتی حکمیت حذف شود بهتر است مراجعه میشود بعدالیه و بنده آنطور که اطلاع دارم آقای وزیر عدلیه بک لایحه بک ماده تهیه کرده اند و قریباً بمجلس خواهند آورد
یاسائی - ۲۵ ماده

روحی - ۲۵ ماده . معذرت میخواهم . و آن این است که احد از متداعیین که در محکمه ابتدائی تقاضای حکمیت کردند طرف مقابل مجبور است قبول کند آنوقت شرایطی هم برای حکمیت قائل شده اند . در این صورت بنده صلاح میدانم که این ماده هم ملحق بهمان قسمت حکمیت اولیه بشود وقتی که بعدلیه رفت و در آنجا

باید اهل همان حوزه مالیه باشند با این ترتیب بنده تصور نمیکنم بشود اشخاص را مجبور کرد که بک اشخاص معینی را حکم قرار دهند . و همینطور در باب اینکه سواد فارسی داشته باشند اینهم همانطور است غالباً اشخاصی که ترتیبات ملک را میدانند دهانی هستند پیر مردها هستند که هیچ سواد ندارند هیچوقت نمیشود دولت و متصرفین را مجبور کرد که حکماً بک اشخاص یا سواد را حکم قرار بدهند و در خارج هم با آقای یاسائی مذاکره کردم گویا مقصود ایشان این بود که آن حکمیت در آن حوزه ای که ملک واقع است باشد و این عبارتی که مرقوم فرموده اند چون کلاً این مقصود را نبرساند اینست تصور میکنم که خودشان موافقت فرمایند و آقای مخبر هم موافقت فرمایند که این اصل تنظیم بشود که حکمیت باید در حوزه مالیه ای که ملک در آن واقع است بعمل آید و آن باید مسئله سواد فارسی داشتن هم مسکوت بماند چون آن هم بضرر مردم است و هم بضرر دولت و سلب آزادی از مردم میکند این است که بنده پیشنهاد میکنم اینقسم نوشته شود که حکمیت باید در حوزه مالیه ای که ملک در آنجا واقع است بعمل آید
رئیس - این مطلب را اصلاح کرده اند و در نالی همینطور پیشنهاد کردند

عدل - بنده هم قبول میکنم و مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای معظمی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم اول به ماده دوم بعد به تبصره آقای شریعت زاده رأی گرفته شود

رئیس - آقای معظمی

معظمی - مقصود بنده تجزیه است اینجا مسئله را آقایان باندازه ای بزرگ کرده اند که اصل مطلب اینطورها نیست . این راجع است به خالصجات انتقالی و حکم را هم برای این مطلب معین می کنند که اگر خالصه

انتقالی شد مالیات را مطابق این قانون ازش میگیرند . و اگر اربابی شد مطابق مالیات اربان میگیرند حکم برای تصرف یا غیر تصرف نیست . حکم برای تعیین مالیات است باین جهت بنده پیشنهاد تجزیه کردم .

رئیس - این ماده طوری تنظیم شده است که پیشنهاد جنابعالی را نمیدانم چطور اجرا کنم .

معظمی - تبصره علیحده رأی گرفته شود

رئیس - ماده قرائت میشود آن قسمتی را که

میخواهید تجزیه شود بفرمایید

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد باین ترتیب که بکنفر حکم از طرف وزارت مالیه و بکنفر حکم از طرف متصرف و بک حکم مشترک بتراضی طرفین معین میشود در صورت عدم تراضی است بک حکم ناک حکمین چهار نفر را معین نموده و یکی از آن چهار نفر بک حکم قرعه حکم ناک معین میشود تصمیم هیئت حکمیت به اکثریت برای طرفین قاطع و غیر قابل اعتراض خواهد بود . وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون موارد اختلاف را کتباً به متصرفین اخطار نموده و رسید دریافت نماید هرگاه متصرفین در ایران باشند از روز اخطار در ظرف شش ماه و اگر در خارج ایران باشند در ظرف یکسال باید خود یا وکیلشان در وزارت مالیه بادر مرکز حوزه بابت باو لایحه که ملک در آنجا واقع است یا مالک در آنجا اقامت دارد حاضر شده و قرار حکمیت را بدهند هرگاه متصرفین در مدت مزبور بدون عذر موجه حکم خود را معین نکردند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود همچنین اگر وزارت مالیه در ظرف مدت مذکوره فوق اعتراض خود را بطرف اخطار نکرد و یا در مدت مقرر حکم خود را تعیین نکرد اعتراض ساقط است و اگر در ضمن جریان حکمیت حکم دولت عمداً در ظرف

ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر
اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود
تبصره ۱ - مادام که رأی هیئت حکمیت صادر نشده
ملك نباید از تصرف متصرفین خارج شود
تبصره ۲ - نسبت بخاصجاتیکه بموجب فرمان دفتری
شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض و
تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق
بعمل میآید
تبصره ۳ - حکمیت باید در حوزه مالیه که ملك متنازع
فیه در آنجا واقع است بعمل آید
معظمی - همان تبصره يك را بنده عرض میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای زوار
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم ماده ۲ حذف شود.
رئیس - آقای زوار
زوار - بابتی تصدیق کنیم که قانون گذاری يك
وظیفه مهمی است قانون هم باید ظوری وضع شود و
بالاخره تمامی هم با قوانین موضوعه مملکتی نداشته باشد
بنده این ماده را از اول تا آخر که خواندم می بینم
علاوه بر اینکه مخالف با اصل صریح قانون اساسی است
بعضی از نمایندگان (با همه) اینطور نیست
زوار - بالاخره اگر قانون گذاری هم باید به او ارجح
تمام شود که میشود چنان من قربانت بروم بگذارید بنده عرضم
بکنم این زبیرت را از دست سرکار نگرفته اند آقای
عدل تشریف می آورید اینجا و جواب بنده را میدید
در قانون اساسی مصرح است امورات حقوقی تمام راجع
به عدلیه است مرجع عمومی متظلمین عدلیه است هیچ
فرقی نگذاشته است بین دولت و ملت . حالا اگر آقایان
دلشان بحال دولت میسوزد به ملت هم توجهی فرمایند
و تشریف بیاورند يك روز به کمیسیون عرایض که
بنده بعضویت آن مفتخرم آنوقت ثابت میشود که اگر
يك چنین ماده بگذرد دیگر هیچکس هیچ چیز ندارد

رئیس - آقای زعیم پیشنهاد ارجاع به کمیسیون
کرده اند آقای زعیم
زعیم - بنده با آقای مخبر هم در خارج مذاکره
کردم یکی از مواد اساسی این قانون این ماده است در
اینجا هم يك پیشنهاد هائی شده با این ماده که آقای
مخبر قبول کرده اند و عبارت هم آنطوری که میباید سلیس و درست
باشد نیست ، باز هم مواد دیگر در عقبش هست که
آقایان مذاکره کنند این بود که بنده پیشنهاد کردم
این ماده بر گردد به کمیسیون و در آنجا اصلاحات لازمه
بشود فردا هم اتفاقاً کمیسیون هست يك نظری در آن
میکنند هم در عبارات هم در اصل موضوع اگر این
چیز هائی که قبول شده است اختلافی در کلیات نظریه
این قانون ندارد همینطور بر میگردد اگر هم مخالفت دارد
اصلاح میشود .
مخبر - عرض میشود دو جلسه است آقایان با کمال
دقت در اطراف این ماده مذاکره کرده اند اذعان
آقایان حاضر شده دقت فرموده اند ، در تنفس در غیر
تنفس صحبت کرده اند . کمیسیون چه میکند ؟ خود
حضرتعالی عضو کمیسیون هستید میدانید در کمیسیون بهتر
از اینکه در این جلسه صد نفری مذاکره شده است
حتماً در آن جلسه کمیسیون نمیشود . در اینجا مذاکرات
بقدر کافی شده است حالا بگذارید رای بگیرند بعد میپردازیم
بسایر مواد .
زعیم - حالا که آقایان مکفی میدانند پس میگیرم
رئیس - رای گرفته میشود بدو به ماده دوم بدون
تبصره ها . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . رای میگیریم به تبصره اول .
بعضی از نمایندگان - قرائت شود
(بشرح سابق خوانده شد)
رئیس - آقایانیکه تبصره اول را تصویب می کنند

قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم به تبصره دوم
بضمیمه تبصره سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم بماده دوم بانه
تبصره آقایان موافقین قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم

(باین ترتیب خوانده شد)

ماده ۳ - حد اکثر مالیات در املاك خالصه انتقالی
نصف عواید خالص مالکانه است باین معنی که هر يك
از مالکین املاك مزبور از زیاده مالیات فعلی ملك
خود شکایت داشته باشد وزارت مالیه مکلف است معادل
نصف عواید خالص مالکانه را معین نموده و مالیات
خالصگی آن ملك قرار دهد و آنهایی که شکایتی همان مالیات
فعلی را میپردازند مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات
معمولی املاك اربابی باشد در اینصورت وزارت مالیه باید
مالیات آن املاك را تا حد مالیات املاك اربابی ترقی دهد

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در ماده يك بنده يك پیشنهادی کردم
(آقای مخبر باز توجه نمیفرمایند) عرض کردم این قانون
را که ما میبویسیم برای خودمان که در اینجا هستیم عیناً و بسیم
مخصوصاً این قانون خالصه انتقالی که مبتلابه تمام مملکت
ایران است مردم تماماً متوجه فهم این قانون هستند
ولی این قانون بقدری مشکل نوشته شده است که از
طرف مجلس يك عده باید بروند در دهات و این قانون
را مردم بفهمانند و الا این ماده با این شکلی که نوشته
شده است باز همان کبر هائی که بوده است و مأمورین
مالیه و رؤسای مالیه عبارت را يك جور بیمل خودشان
تفسیری کنند و يك جوری بیان می کنند که اسباب زحمت
طرف بیچاره میشود . نظر بنده این بود (خدمت آقای
مخبر عرض کردم) موضوع این جا این است که ما می

خواهیم بیان کنیم مالیات خالصجات انتقالی چه جور باید باشد. يك نظر بنده این است که ما در دوره چهارم و پنجم و ششم نظرم آن این بوده است که اولاً مالیات کلیه املاک معین شود تا باینکه اینک يك نسق بشود باین معنی که تمام این صور مختلفه که راجع بمالیات است از بین برود ولی در اینجا حالا باز آمده اند و يك صورت های مختلفه ایجاد کرده اند و این اختلاف همیشه بحال خود باقی خواهد ماند و گرفتاری مردم هم همینطور می ماند و رفم زحمت مردم هم نشده است. اینجا آمده است و با يك مقدمات فرضیه يك مطلبی را بیان می کند که اگر دارنده آن خالصه شکایت از زیادتی مالیات کرد فلانقدر بدهد و اگر عوائد او زیاد باشد نصفش را بدهد. دیگر ترتیب آن را معین نکرده است که چه کار باید بکنند دولت اصف این را چه کار کند اگر از مالیات اربابی کمتر بود بیاورد او را تا حد مالیات اربابی یا نه؟ الی آخر ماده که ملاحظه میفرمائید چه طور است در صورتیکه که اعضاء محترم کمیسیون ممکن شان بود ماده را این قسم قرار بدهند: ما آمدیم و يك قانون ممیزی گذرانندیم و در آن جا معین کردیم که مالیات اربابی صدی سه و نیم است خالصه انتقالی را هم بنده عقیده دارم که همان جور قرار بدهند و خوب است که همان قانون ممیزی را هم این جا قرار بدهیم یعنی صدی سه یا سه و نیم بعنوان ملك اربابی. در این جا میگویند که دولت يك زیادتی دارد خیلی خوب اول تعیین مالیات را بکنید مثل اربابی صدی سه و نیم...

جمعی از نمایندگان - صدی سه است

آقا سید یعقوب - صدی سه بعد راجع زیادتی دولت که بموجب جزو جمع یا فرمان که چندین خروار است و مقداری دولت ادعا دارد تکلیف را معین کنید الان آن متصرف دارد و فریاد می زند داد میزند که ندارد در این صورت دولت باید راجع بآن هم يك رعایت بکند آقا جان دولت نباید اینقدر ظالم باشد. دولت باید آنچه ها

برای خودش محفوظ داشته است از بین نرود و این دو مرحله ابتدائی دارد که نا آنها اصلاح نشود این مقصود بعمل نمی آید مسئله اولاً مربوط میشود بماده اولی و يك قدری هم ماده دوم و آن تشخیص و ثبت مالکیت مردم است زیرا هر قدر ما بخواهیم مالیات این املاک را بالا ببریم یا پائین ببریم تا وقتی که هنوز راه تعرض دولت نسبت بمالکیت اشخاص بسته نشده است و آنها خودشان را هنوز مالک واقعی نمی شناسند نتیجه بخواهیم برد و آن قضیه و شرایط آن مربوط بماده اولی است که در آن جا باید قید شود و راپرت کمیسیون بعد در آن خصوص یعنی راجع به تشخیص مالکیت خواهد رسید...

مرحله دوم - راجع بمالیات این املاک است. این املاک را وقتی که دولت منتقل کرده است باشخاص یا جمع عوائد ملکی بوده است. و آنطوریکه آن روز آقای روحی میفرمودند که صد تا یا دویست تا پنجهزاری داده اند و بخشیده اند و فلان. نیست... روحی - همینطور است.

مخبر - خبر. این ملك را حساب کرده اند عباداتش را که در سال چقدر میشود و آن را جمع کردند و دولت این را باین ترتیب یعنی با جمع عوائد ملکی واگذار کرد بفلان شخص و غالباً هم این املاک از این نقطه نظر داده شده است که اشخاص بروند و آنها را آباد کنند خرج کنند و عایدی دولت را هم در ضمن بدهند خودشان هم استفاده کنند در غالب این املاک پس از انتقال آن ملاکین نتوانسته اند جمع دیوانی را بدهند بعد بآنها تخفیف داده اند یا تعبیر کرده اند و چه کرده اند در هر حال باز نتوانسته اند بدهند و کم کم دارد خراب می شود يك قسمتش هم خراب شده است آن وقت دولت هم ناچار شده است که با آنها داخل در يك معامله بشود از قبیل تصفیه و پائین آوردن نرخ تعبیر با آن ترتیبی که اخیراً ملاحظه فرموده اید یا شنیده اید. که صدی شصت یا صدی هفتاد از عایدات موجوده سالیانه

آنها را می گرفتند ولی این مبلغ یا مقداری را که می گرفتند هنوز بمالیات جزو جمع آنها نبرسد امروزه که ما می خواهیم این جا عمل کنیم باید اول به بینیم مالیات آنها چقدر است و بطور قطع بدانیم چقدر میشود تا آن تفاوت را بخریم. در صورتیکه برای يك ملکی که امروز صد خروار بیشتر عایدی ندارد در جزو جمع ۱۵۰ خروار مالیات معین شده است و اگر ما بخواهیم ۱۵۰ خروار را بفروشیم این قدر آن ملك قیمت ندارد که ما بخواهیم از روی جزو جمع دفتری آن را بخریم یا بفروشیم. فقط راه تسهیلی که بنظر ما آمد این بود که چون سابقاً نسبت بیک قسمت عمده از این املاک تصفیه عمل می شده است یعنی ممیزی کرده اند و معلوم کرده اند که چقدر عایدات خالص مالکانه آن می شده است و بعد همان جور عمل کرده اند نصف را دولت برداشته است نصف را هم مالك و مالك هم چون رعایت کاهلی در حق او شده بود قبول می کرد در این جا هم ما آمده ایم و اصل تصفیه را در نظر گرفتیم که این قاعده تعمیم شده باشد ولی البته نسبت باشخاصی که شکایت دارند از زیادتی منال شان اما اگر کسی می خواهد مالیات جزو جمع خود را بدهد و شکایتی هم ندارد ما هم بالاخره حرفی نداریم خوب بدهد. ولی خوب اگر چنانچه نمی تواند از عهده بر آید ما برای اینکه يك حد ثابتی برای مالیات آن معین کنیم که تکلیف قطعی مالیات این املاک را معین کنیم نصف قرار دادیم که هر کس از زیادتی منال دیوانی خودش (منال خالصگی) شکایت دارد دولت ببايد معین کند که عایدات این ملك چقدر است ممیزی کند نصفش را خودش برد نصفش را هم مالك بر دارد بعبارة اخرى مالیات خالصگی يك حد اعلائی پیدا می کند که نصف عوائد مالکانه است حد اقلش هم همان میزان است که حالا دارند میدهند هر چه میخواهد باشد حالا اگر در این ضمن يك املاکی پیدا بشوند که کمتر از میزان مالیات اربابی میدهند چوب جنبه عمومی دارد آن را هم دولت حق دارد

تا حد املاك شخصی زنی بدهد این قاعده ایست که اصولا ما برای این کار اتخاذ کرده ایم پس از آنکه تصمیم قطعی در خصوص مالیات این املاك گرفته شد آوقت باید مرحله سیم را بیائیم و معلوم کنیم یعنی از روی قانون میری املاك اربابی به بینیم که مالیات آنها چه میشود و تفاوت را (از ماخذ مالیات خالصکی) که حد اعلاي آن نصف عایدات مالکانه خواهد بود مالک بفروشیم . یعنی آن مرحله که فرمودید ولی ابتکار قبل از اینکه مرحله دوم قطع شود اسباب اشکال است و نمیشود اعمال کرد و از عهده بر آمد و مالک نمیتواند از عهده خریداری بر آید پس باید این قسمت را قطع کرد و يك حد اعلا و حد اصایی برای املاك خالصه انتقالی ثابت کرد پس از آن تفاوتش را فروخت .

رئیس -- آقای مخبر به بنده تذکر دادند که در ماده سوم در سطر اول بعد از عوائد لفظ بتوسط باید اضافه شود آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده در این ماده عرضی ندارم

رئیس -- آقای کازرونی
کازرونی - آقایان محترم از بنده مطلع تر هستند که جهات انتقالی املاك مختلف بوده است یکی از موجباتش این بوده است که حقیقه دولت برای اینکه ملک معموره تر بشود و عایدی خودش بیشتر شود ملکش را بشخصی انتقال داده است هر ملک که اینطور است ملاحظه فرمائید بطور طبیعی عایدش خیلی زیاد هم که می شده است و بدولت داده می شده است غالب اوقات دیده می شده است آن شخص که ملک بهش انتقال داده میشود است از عهده اش بر نمی آمده است و شکایاتی هم میشده است راجع باین قسمت . بعضی اوقات حکومت استبدادی برای اینکه يك علاقه مخصوصی به بعضی اشخاص داشته همچو مقتضی میدالسته است که يك ملكی را بیک کسی انتقال بدهد و مالیاتی هم مقرر میداشته است که خیلی کم بود است عایدش هم زیاد . پولی هم که بدولت میداده

املاك در نظر نمیگیرید؟ مساوی قرار بدهید بگوئید از عایدات خالصش صدی شصت بدهد بدولت زیاد است صدی سی زیاد است صدی بیست زیاد است صدی ده صدی سه صدی يك ولی بشرطی که همه يك نواخت و یکسان باشد نه اینکه یکی صدی ۵۰ یکی صدی ۳ آخر این شأن مجلس شورای ملی ایست که باین شکل قانون گذاری کند بنده عرض میکنم که این ترتیب يك اثر سوء و فوق العاده بدی نسبت بزندانگی مردم دارد بجهت همین اختلافاتی که قائل شده اند این است که بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که هر نسبتی را که در نظر میگیرند باید متساوی باشد و فرقی درش قائل نشوند و بنده حالا در مبلغش عرضی ندارم ولی باید همه متساوی باشد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - بنده البته يك قسمت از فرمایشات نماینده محترم را که خودشان هم گوش نمیدهند تصدیق میکنم که يك افراط و تفریط هائی در موقع انتقال این خالصجات شده است شبیه ندارد بعضی ها تمام مالیات را قبول کردند و تمام حاصل و عایدات مالکانه را قبول کرده اند بعنوان مالیات بعضی ها هم از اول این عنوان را قبول نکردند بعد هم اگر قبول کرده اند يك تخفیف هائی گرفته اند ولی قانون گذار باید يك کاری بکند که قانون مشمول تمام افراد باشد . چیز عجیبی است خود آقای کازرونی گوش نمیدهند که جواب فرمایشات شان را بشنوند . قانون گذاری یعنی حکم بر اغلب . یکی دو مورد اتفاق افتاده است که شاید خود نماینده محترم هم گرفتار آن یکی دو مورد باشند و تصدیق می کنم ولی این علت نمیشود که قانون را طوری بنویسند که سایرین مستثنی بشوند و آن دو مورد مشمول ...

کازرونی - کدام مورد آقای؟ چه میگوئید؟

بامداد - دشتی و دشتستان نظرشان است آقایان دیگر...

کازرونی - چیز عجیبی است!!
بامداد - این خیلی واضح است که نظرشان بجا است و آن پیشنهاد قید بهره برداری که در ماده اول شد نظرشان را نامین می کند ، امیدوارم که ناهین کرده باشد معذک که اگر این دو قسمت در ذهن نماینده محترم باشد که اگر يك ما لکی يك ملك متصرفی نخواست با دولت داخل در مذاکره بشود و آن مالیاترا ازش بگیرند یعنی اگر همیشه خیلی اجحاف میکردند است بدولت و چون اجحاف میکردند وقت میخواستند بهمین ترتیبی که الان در تصرفش هست باشد جلو گیری کند ازش و اگر چنانچه کمتر شد از مالیات معمولی بحد مالیات معمولی بالایش برند این را میتوانید پیشنهاد کنید و در مورد پیشنهاد خودتان هم توضیحات مقتضی بدهید البته بنده یکی از اشخاصی هستم که نه از آن قسمت هستم و نه از این قسمت و نظری ندارم و موافقت میکنم کیسیدون هم موافقت میکند

رئیس -- آقای باستانی

باستانی - خالصجانی که از طرف دولت بموجب فرامین انتقال یافته است مردم انواع و اقسام دارد يك قسمت از خالصجات انتقال پیدا کرده است در ازاء يك عهده پنجهزاری چند تا پنجهزاری تقدیم کرده اند و يك فرمان صادر کرده اند حالا بعضی از آقایان نظرشان این است که همه خالصجات انتقالی سه در بد مردم است از این قبیل است در صورتیکه اینطور نیست خیلی از موارد هست که برای عمر آن آبادی واگذار شده است اراضی است که خرابه بوده در خود فرمان هم قید و واگذار شده است باهالی محل و خورده مالکین و آنها آباد کرده اند حالا ما بیائیم بعد از يك مدتی که در تصرف مردم بوده است و آبادش کرده اند معمور کرده اند يك وقتی هم اسمش در رقبه دولتی بوده است و دولت هم يك جزو جمع قدیمی همینطور میگرفته است که از صدی ۵۰ هم کمتر بوده است بگوئیم که حتما باید برسد صدی ۵۰ ؟ مثلا اگر عایداتش صدی چهل بوده است و همینقدر گرفته میشده

است و خود مالك و متصرف فعلی ما شایک است که این صدي ۴۸ زیاد است و نمیتواند بدهد ما بیائیم و صدي ۵۰ بکنیم این که ظلم است اگر از صدي ۴۰ فرضاً شکایت داشتند بموجب این قانون بیابند و رسیدگی کنند و صدي ۵۰ بکنند؟ نتیجه این ماده این میشود دیگر بمقیده بنده این ماده خوب و مطابق منظور آقایان درست تنظیم نشده است و اولاً باید يك فکری بکنند آقایان و يك استثنائی قائل شوند مخصوصاً برای خالصجات انتقالی که برای عمران و آبادی واگذار شده است اگر بفرمان رجوع شود بیشتر خالصجاتی که در دوره ناصرالدین شاه واگذار شده است در فرمان قید شد است که برای آبادی و عمران است در زمان مظفرالدین شاه بدون این شرایط و قیود واگذار شده است و همینطور داده شده است ولی آنچه که قدیمی تر انتقال یافته است این قیود درش هست . دوم اینکه چه جهت دارد که ما بیائیم و ملك و میزان خالصجات انتقالی را صدي ۵۰ قرار بدهیم؟! چرا نصف عایدات خالص مردم را بگیریم؟ این ترتیب را اگر آقایان محترم درست در نظر بگیرند يك مواردی را که بعضی ها املاك خالصه را بمقت برده اند این قسمت را هم در نظر بگیرند که يك اشخاصی يك املاكی بهشان انتقال یافته است و متصرف شده اند بعد نقل و انتقال یافته است و الان بقیمت املاك اربابی بفروش میرسد خوب چرا رعایت این قسمت را نمیفرمائید؟ در هر صورت بنده عقیده ام این است که صدي ۵۰ زیاد است و باید يك حد وسطی را قائل شد که نظر طرفین رعایت بشود بنده پیشنهادی هم داده ام آقایان میخواهند موافقت کنید میخواهند نکنند بنده عقیده ام این است که خمس عایدات خالص مالیات املاك خالصه انتقالی بشود کافی است صدي ۲۰ از عایدات خالص میزان مالیات باشد که بتوانند بدهند حالا اگر چنانچه صدي ۲۰ را کم میدانید صدي ۲۵ یا صدي سی بکنید بنده هم موافقت میکنم

کازرون - يك خورده چربش کنی
 یاسائی - و ما برای املاك خالصه انتقالی که حقاً ملك مردم است و متصرف هستند و يك زحمانی برای عمران و آبادی آنجا کشیده اند بیائیم و بطور کلی يك قانون بگذرانیم و مطالعه درست نکنیم و نصف قرار بدهیم بمقیده بنده يك ظلم و اجحافی است و خیال می کنم از نقطه نظر ترغیب و تشویق مردم بفلاح و زراعت ما اگر يك گذشت هائی هم در این کار بکنیم بی مورد نکرده ایم . اگر ده تا ملاك در این مملکت از این قانون استفاده می کنند ممکن است ولی باید فکر این را هم کرد که يك حوزه مالکینی هستند که باید از این قانون استفاده کنند و ضرر هم بهشان رسد تا با کمال میل مملکت را آباد کنند . ما می خواهیم قانون وضع کنیم برای املاك خالصجات انتقالی ولی بیشتر نظرمان بمتصرفین متمول است : دیگر از عرایضی که بنده دارم و سابق هم عرض کرده ام مسئله خورده مالك است يك املاك خالصه ایست که انتقال پیدا کرده است بدست اشخاص معین بعد رفته اند و تقسیم کرده اند بطور خورده این اشخاص متفرقه و دست بدست گشته است درست است که این ملك خالصه بوده است درست است که فرمان انتقالش بنام يك شخصی صادر شده است ولی فعالیس از تحقیقات معلوم میشود در دست اشخاص خورده مالك است و در مواردی که باید آن مالك و متصرف اولی استفاده کنند استفاده ملك اربابی کرده است یعنی است توی سر مردم و پول آن ملك را خورد گرفته است یعنی آمده است همان پنجهراری ها را تقدیم کرده است و فرمان گرفته است بعد آمده است بواسطه نفوذی که در محل داشته است زده است توی سر مردم و مردم را مجبور کرده است که باید بخرد و فروخته است و الان هم ملك اربابی مردم است اجدادشان خریده اند یا بارت بهشان رسیده است بکند بگری هم باید برای این قسمت های مالکین خورده کرد و بنده عقیده ام این است

که از خورده مالکین املاك خالصه انتفاع هم مثل املاك املاك اربابی صدي سه و ایم گرفت و زیاد تر نمیشود بر آنها تحمیل کرد بالاخره کسی که الان صاحب ۵۰ شعر فلان ملك خالصه و پدرش و جدش خریده و الان متصرف است ما نباید الان ما و بگوئیم که تو باید نصف عایدت را بدهی بدوات این ظلم است و باید کمیسیون ودوات يك فکری هم برای این قسمت از مالکین کرده باشند (صحیح است)
 رئیس - آقای بروجردی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند زوار - بنده مخالفم
 بروجردی - بنده عقیده دارم که این ماده سوم قانون خالصجات انتقالی یکی از مواد مهم این قانون است و الان هم ساعت نصف شب است ما هم همه کسالت داریم و آنطوریکه باید دقت کنیم در این قانون نمیتوانیم بملاوه راجع به تشکیل جلسات هم در آن جلسه اکثریت نبود و ماند باین جلسه يك ربع هم صرف آن کار باید بشود بنا بر این بهتر این است جلسه ختم شود و بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی نا از روی دقت مذاکره شود

رئیس - آقای فهیمی
 فهیمی - بنده با اینکه مذاکرات بماند برای جلسه آتی مخالف نیستم ولی باید جواب فرمایشات آقای یاسائی داده شود

جمعی از نمایندگان - در جلسه بعد
 رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم که نماینده محترم تذکر دادند که حالا نصف شب است و کسالت داریم خوب در غیر ماه رمضان اول ظهر که میشود گرسنه هستیم ماه رمضان هم که میشود کسالت داریم پنج ماه هم بیشتر با آخر دوره نمانده است قوانین زیادی هم هست که باید درش شور شود راجع باین ماده هم که فرمودند مهم است البته بنده هم معتقدم که اهمیت دارد ولی مذاکرات باندازه کافی شده است خوبشت اجازه بدهند که پیشنهادات قرائت شود

رئیس - رای میگیریم آقایانی که ختم جلسه را تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راجع بجلسات چند فقره پیشنهاد رسیده است اول باید معلوم شود که هفته سه جلسه خواهد بود یا چهار جلسه ؟
 بعضی از نمایندگان - ۳ جلسه
 (جمعی گفتند - چهار جلسه)

رئیس - آقای فیروز آبادی چهار جلسه پیشنهاد کرده اند . بفرمائید

فیروز آبادی - بی نظر باینکه ماه رمضان غالباً مصادف با تعطیل است و در اواخرش هم اعیان و عید است ده یازده روز بیشتر ما نمی توانیم کار کنیم و در این مدت قلیل ما اگر سه جلسه قرار بدهیم بهیچ کاری نمیرسیم و باید همان هفته ۴ جلسه باشد که بقوانین در قوانین شور کنیم و اگر کمتر قرار بدهیم در ظرف این ده یازده روزه شش هفت جلسه بیشتر نخواهیم داشت و این قدر کافی نیست باین ملاحظه بنده پیشنهاد کرده ام هفته ۴ جلسه باشد که لاقل در این ماه ده جلسه داشته باشیم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم باید فکر فرمایند که در ماه مبارک رمضان اغلب آقایان هم در شبها کمیسیون دارند برای اینکه ممکن است بعضی آقایان روزها نتوانند حاضر شوند شب حاضر میشوند برای تهیه قوانین مخصوصاً کمیسیون بودجه برای تهیه بودجه ها مشغول است و عنقریب بودجه ها مرتب شده و بشکل يك ماده واحد مثل دوره چهارم میآید بمجلس پس در کمیسیون ها هم مایک کارهای زیادی داریم و هفته سه جلسه خیلی خوب است و آقا هم موافقت فرمایند که ما هم مجلس برسیم هم به کمیسیون که کار ها هم عقب نماند (صحیح است) و راجع به آنها هم شب بکشنه شب سه شنبه و شب پنج شنبه دو و نیم از شب گذشته

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی
آقایانی که موافقند قیام فرمایند .
(دو سه نفر قیام نمودند)
و پنجشنبه . رأی میگیریم به شبهای يكشنبه و سهشنبه
و پنجشنبه آقایانی که با این سه شب موافقند قیام نمایند
(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد
موافقین قیام نمایند
حاج آقا رضا رفیع - دو ساعت ونیم از شب گذشته
(اکثر برخاستند)
جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- اکثریت است دو قسم پیشنهاد رسیده
است . یکی شبهای یکشنبه و سهشنبه و پنجشنبه
پیشنهاد دیگری هم هست . شب یکشنبه و دوشنبه
رئیس -- جلسه ختم میشود جلسه آتیه شب سهشنبه
(مجلس شش ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

قانون

تخصیص عوائد راه آهن جلفا به تبریز و کشتی رانی ارومیه

بمرمت و تکمیل مؤسسات مزبوره تا مدت پنج سال

مصوب لیله ششم اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - بوزارتین مالیه و فواید عامه اجازه داده میشود که عایدات راه آهن جلفا به تبریز و
کشتی رانی دریاچه ارومیه را پس از وضع مخارج عادی آن مؤسسات تا مدت پنجسال برای ساختمان و مرمت و
خرید لوازم و اثاثیه راه آهن و کشتیهای مزبوره بمصرف برسد

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه لیله ششم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا